

اشاره

آنچه اکنون به عنوان سرفصل برای دروس روش تدریس و بررسی کتب هنر دوره‌ی ابتدایی در مراکز تربیت معلم تدریس می‌شود، با برنامه‌ی درسی جدید هنر هماهنگی ندارد. این سرفصل از نظر عنوان، پیش‌نیازها، اهداف، سرفصل‌های فرعی درس و منابع دچار مشکلاتی است که نیاز به تجدید نظر کلی دارد. پیش‌نیازهای این درس نیز از نظر سرفصل مطابق با برنامه‌ی جدید نیست. هم‌چنین این درس نیازمند تعدادی پیش‌نیاز جدید برای تطابق با برنامه‌ی جدید است.

کلید واژه‌ها: هنر دوره‌ی ابتدایی،

تربیت معلم، روش تدریس، سرفصل.

سرفصل‌های روش تدریس هنر در مراکز تربیت معلم با برنامه‌ی درسی جدید هماهنگی ندارد

مریم خانعلی لوی*

مقدمه

هدف از تأسیس مراکز

تربیت معلم، همان‌طور که از نام آن

پیداست، تربیت افرادی است که از دانش، مهارت و

توان لازم برای انجام وظایف معلمی، یعنی آموزش و پرورش

دانش‌آموزان برخوردار باشند. یک

معلم ابتدایی موفق،

در درجه‌ی اول باید از مهارت‌های

خاص تدریس، در سطح بالا و در درجه‌ی بعد از معلومات

علمی در سطح مورد نیاز، بهره‌مند باشد.

از جمله مواد مورد تدریس معلم ابتدایی، درس هنر

است که طبق مصوبه‌ی پانصد و هفتاد و نهمین جلسه‌ی شورای

عالی آموزش و پرورش، مورخ ۱۳/۵/۷۳، در مورد ساعات کار

هفتگی مدارس دوره‌ی ابتدایی، در پایه‌های اول و دوم، ۲

ساعت و در پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی هفته‌ای

۱/۵ ساعت به آن اختصاص داده شده است.^۱

از آن‌جا که رویکرد برنامه‌ی درس هنر در دوره‌ی

ابتدایی «تربیت هنری» است،^۲ درس هنر، هم به عنوان

یکی از رشته‌های تربیت معلم، رشته‌ی آموزش ابتدایی

است. این رشته با سایر رشته‌های تربیت معلم یک تفاوت

کلی دارد؛ به این معنا که این رشته ناظر بر یک دوره‌ی

تحصیلی، یعنی دوره‌ی ابتدایی، است در حالی که سایر

رشته‌ها، هر یک مربوط به درس خاصی از جمله ریاضی،

علوم تجربی، زبان انگلیسی، تربیت بدنی و... می‌باشند. این

نوع خاص تقسیم‌بندی می‌تواند دو دلیل داشته باشد:

۱. آموزگار یا معلم ابتدایی معمولاً تمام دروس یک

پایه را تدریس می‌کند.

۲. مطالب مورد تدریس در دوره‌ی ابتدایی - به‌جز

مورد زبان‌آموزی - نیاز به تخصص و معلومات پیچیده

ندارد.

رشد آموزش

ه

شماره‌ی ۳
دوره‌ی هفتم
بهار ۱۳۸۹

۴۸

یکی از اشکال اساسی تجربه‌ی انسان و هم به عنوان عاملی مؤثر در یادگیری سایر حوزه‌های محتوایی،^۳ حائز اهمیت است.

درس هنر اگر به صورت صحیح برگزار گردد، علاوه بر تقویت، پرورش و به فعلیت رساندن انواع هوش،^۴ در تقویت قوای جسمی، ذهنی و اعتقادی دانش‌آموزان در حوزه‌های دانش، مهارت و نگرش^۵ نیز مؤثر است. در این راستا، یک معلم دوره‌ی ابتدایی جهت برگزاری هر چه مفیدتر ساعات درسی هنر، باید از آموزش‌های تخصصی خاصی برخوردار باشد. این آموزش‌ها پیش از آن که در زمینه‌ی رشته‌های هنری مانند نقاشی، موسیقی، نمایش، مجسمه‌سازی و... باشد، باید در زمینه‌ی روش‌های اجرای صحیح و تربیت هنری، انجام گیرد.

«در سال ۱۳۷۸، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی تصمیم گرفت با طراحی برنامه‌ی درسی جدیدی برای درس هنر، به وضعیت نابسامان آموزش هنر در دوره‌ی ابتدایی سامان بخشد»^۶ و به دنبال این تصمیم اقداماتی آغاز شد. ظاهراً مرحله‌ی اول اجرای برنامه‌ی درسی جدید، از سال ۱۳۸۰ با اجرای آزمایشی محدود آن در پایه‌ی اول ابتدایی آغاز شده است و طبق پیش‌بینی باید در مرحله‌ی هفتم این اجرا، یعنی در سال ۱۳۸۶، با اجرای سراسری آن در پایه‌ی پنجم ابتدایی تکمیل می‌شد.^۷ ولی گویا برنامه از پیش‌بینی عقب‌تر است، زیرا در تابستان سال ۱۳۸۵، این برنامه با آموزش مدرسان استان آذربایجان غربی و چند استان دیگر برای اجرای پایه‌ی اول ابتدایی در منطقه آغاز شد و در تابستان ۱۳۸۶ با تدارک مقدمات اجرای پایه‌ی دوم ابتدایی ادامه یافت. با این حساب حداقل در این منطقه در صورتی که برنامه بدون مشکل پیش برود، این طرح در سال ۱۳۸۹، با پایه‌ی پنجم ابتدایی تکمیل خواهد شد.

در مراکز تربیت معلم آذربایجان غربی^۸ سرفصلی که برای درس «روش تدریس و بررسی کتب هنر دوره‌ی ابتدایی» مورد استفاده قرار

می‌گیرد،

مصوب سال

۱۳۷۲ است.^۹ این سرفصل با

برنامه‌ی درسی جدید درس هنر هماهنگی

ندارد و طبق روال برنامه‌ی قدیمی تنظیم شده است. از

آن جا که فارغ‌التحصیلان آموزش ابتدایی تربیت‌معلم قرار

است در آینده‌ی نزدیک به آموزش دانش‌آموزان دوره‌ی

ابتدایی در پایه‌های مختلف تحصیلی بپردازند، بهتر است

آموزش‌های آن‌ها به نحو صحیح انجام گیرد و اطلاعات و

مهارت‌های آن‌ها بر اساس اصول صحیح و جدید پایه‌گذاری

شود. در این مجال کوتاه سعی شده است تا بخشی از

اشکالات این سرفصل مورد بررسی قرار گیرد.

نام درس

اولین و اساسی‌ترین مشکل این درس، نام آن است:

«روش تدریس و بررسی کتب هنر دوره‌ی ابتدایی». در این

نام، عبارت «کتب هنر دوره‌ی ابتدایی»، نیمی از عنوان را به

خود اختصاص داده است. تازه، این سؤال هم پیش می‌آید

که بررسی کدام کتب هنر؟ زیرا طبق شواهد موجود،

حداقل پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کتاب هنر تنها در

پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی توسط سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزش تهیه و در اختیار دانش‌آموزان مدارس

ابتدایی قرار گرفته است و این روند تا چندین سال پیش

ادامه داشت (با وجود تلاش زیاد تاریخ‌دقیقی به‌دست

نیاوردم) ولی در حال حاضر سال‌هاست که در این دو پایه

نیز کتاب هنر توزیع نشده است و «از آن جا که یکی از

اصول برنامه‌ی درس هنر خلاقیت است و ارائه‌ی هر نوع

نمونه و الگو، خلاقیت کودکان را محدود می‌کند، در دوره‌ی

ابتدایی کتاب درس هنر وجود ندارد.»^{۱۰} پس بهتر است در

اولین گام، در نام این درس تجدید نظر شود.

پیش‌نیاز

پیش‌نیازهای مطرح شده برای این درس طبق سرفصل

عبارت‌اند از: کلیات روش‌ها و فنون تدریس، خوش‌نویسی، طراحی و نقاشی، و کاردستی در کارگاه. کلیات روش‌ها و فنون تدریس، پیش‌نیاز مشترک سایر روش تدریس‌ها نیز هست. پس پیش‌نیازهای اختصاصی این درس عبارت‌اند از: خوش‌نویسی، طراحی و نقاشی، کاردستی در کارگاه. این پیش‌نیازها با توجه به دروسی که در مراکز تربیت‌معلم تدریس می‌شوند، تنظیم شده است. یعنی دروس اختصاصی هنر مراکز تربیت معلم به این چند مورد محدود می‌شوند در حالی که «درس هنر دوره ابتدایی با ارتباط با طبیعت، شروع می‌شود و سپس به رشته‌ی نقاشی، کاردستی، تربیت‌شنوایی، قصه و نمایش می‌پردازد. دانش‌آموزان در کنار این رشته‌ها با میراث فرهنگی نیز آشنا می‌شوند.»^{۱۱} بر این اساس پیش‌نیاز خوش‌نویسی برای درس هنر، الزامی نیست چون کاربردی در تدریس هنر دوره ابتدایی ندارد.

کاربرد واژه‌ی طراحی در این جا چندان مناسب نیست. زیرا «طراحی» DRAWING [آرسامی] گونه‌ای بازنمایی تصویر، نقش‌آفرینی است، عمدتاً با تأکید بر عنصر خط. ممکن است ترسیم مقدماتی برای نقاشی با مجسمه‌سازی باشد. یا اثر هنری مستقلی به‌شمار آید.^{۱۲} عنصر خط در طراحی، نقش اصلی را دارد. خط در نقاشی کودکان نیز از عناصر اصلی محسوب می‌شود ولی کاربرد خط در نقاشی کودکان، مشابه کاربرد آن در طراحی نیست.^{۱۳} در این مورد به علت خصوصیات جسمی و ذهنی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، کاربرد واژه‌ی نقاشی، کافی و مناسب می‌باشد.^{۱۴} در عبارت کاردستی در کارگاه، نیز ذکر «در کارگاه» ضرورتی ندارد. چون نه در اکثر مراکز تربیت‌معلم و نه در مدارس ابتدایی مکانی به‌عنوان کارگاه وجود ندارد و فعالیت کاردستی در کلاس درس انجام می‌گیرد.

ساعات تدریس

ساعات اختصاص یافته به این درس در مراکز تربیت‌معلم، به‌عنوان ۲ واحد عملی - نظری، سه ساعت در هفته است که با توجه به دروس مشابه کافی نیست. به‌عنوان مثال به دروس زیر اشاره می‌شود:

۱. بررسی کتب فارسی دوره ابتدایی، ۲ واحد عملی،

۴ ساعت در هفته.^{۱۵}

۲. طراحی، تولید و کاربرد مواد آموزشی، ۲ واحد، ۱ واحد نظری و یک واحد کارگاهی، ۴ ساعت در هفته.^{۱۶} در قسمت سرفصل‌های درس، در این مورد بیشتر توضیح داده خواهد شد.

اهداف

در این قسمت، ۲ هدف کلی برای این درس در نظر گرفته شده است: دانش‌جو معلم:

۱. با اهداف، برنامه‌ها و ویژگی‌های هنر دوره ابتدایی آشنا شود.

۲. در تدریس هنرهای تجسمی پایه‌های مختلف دوره ابتدایی تسلط کسب نماید.

در مورد دوم به‌طور اختصاصی به هنرهای تجسمی اشاره شده است یعنی کل هنر دوره ابتدایی را تنها در هنرهای تجسمی خلاصه کرده است. در دایره‌المعارف توضیح هنرهای تجسمی (هنرهای بصری) VISUAL ARTS. چنین آمده است: «آن گروه از هنرهای مبتنی بر طرح، که اساساً حس بینایی را مخاطب قرار می‌دهند. (در برابر هنرهای شنیداری چون موسیقی، و هنرهای شنیداری - دیداری چون اپرا و فیلم ناطق و رنگی)».^{۱۷} همان طور که در بخش پیش نیاز توضیح داده شد، طبق برنامه‌ی جدید، هنر دوره ابتدایی شامل نقاشی، کاردستی، تربیت‌شنوایی، قصه و نمایش است. و هنرهای تجسمی حداکثر دو پنجم این موارد، یعنی حتی کمتر از نصف آن‌ها را شامل می‌شود.

سرفصل‌های درس

در این قسمت ۱۸ فصل آمده است که باید در ۵۱ ساعت اجرا شود. دوره‌ی آموزشی مدرسی هنر پایه‌ی اول ابتدایی که در تابستان سال ۱۳۸۵ از سوی سازمان آموزش و پرورش آذربایجان غربی برگزار شده بود، ۸۰ ساعته بود. همین دوره به‌صورت بسیار فشرده و خلاصه در ۴۰ ساعت برای معلمان پایه‌ی اول ابتدایی برگزار شد. دوره‌ی آموزشی هنر پایه‌ی دوم ابتدایی نیز که

د ر

تابستان سال ۱۳۸۶ برگزار شد، به مدت ۴۰ ساعت بود. در هر دو مورد مشکل کمبود وقت مشهود بود. با توجه به این توضیحات، طبعاً مدت ۵۱ ساعت برای ارائه‌ی روش تدریس هنر تمام پایه‌های دوره‌ی ابتدایی، کافی نیست. خصوصاً اگر قرار باشد طبق روال صحیح آموزشی روش تدریس، چند جلسه به بازدید و تدریس عملی توسط دانشجویان اختصاص داده شود، این کمبود وقت بیش‌تر نمایان می‌شود.

در این بخش چند بند این سرفصل را که دارای اشکالاتی است، مورد بررسی قرار می‌دهیم:

- بند چهار: «شناخت ویژگی‌های هنر ایران - هنر اسلامی و تأثیر آن در هنر سرزمین‌های دیگر». این عنوان با وجود گستردگی و ابهام، که خود یک مشکل اساسی است، به نوعی ناقص نیز محسوب می‌شود و نیاز به یک عنوان تکمیلی دیگر یا تصحیح همین عنوان جهت بررسی متقابل این «تأثیر» دارد. با توجه به این‌که این «شناخت ویژگی‌ها، در همین حد تأثیر - و نه تأثر - محدود شده است، همین عبارت را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. «هنر ایران - هنر اسلامی». خط تیره‌ی بین هنر ایران و هنر اسلامی اگر به معنی جدایی این دو از یکدیگر است،^{۱۸} چندان مناسب و صحیح نیست. زیرا هنر ایران و هنر اسلامی دو عنصر جدایی‌ناپذیرند. شواهد بی‌شماری وجود دارد که نشانگر این پیوستگی از قرون اولیه‌ی اسلامی است. حتی به جرأت می‌توان گفت که ایرانیان یکی از تأثیرگذارترین ملت‌ها بر هنر اسلامی بوده‌اند. پس هنر ایرانی بخش جدایی‌ناپذیر هنر اسلامی است. فرض دیگر که محتمل‌تر می‌باشد،^{۱۹} این است که منظور

«هنر اسلامی ایران» باشد، که قابل قبول‌تر است. ولی بهتر بود

به‌صورت «هنر ایرانی - اسلامی»، یا چیزی مشابه آن نوشته شود. در این‌جا مناسب است به هنر ایران قبل اسلام نیز اشاره شود، زیرا این هنر اگر بخواهد، «ایرانی - اسلامی» باشد، نمی‌تواند بدون پشتوانه‌ی فرهنگی و هنری و خلق‌الساعه باشد و باید به پشتوانه‌ی ایرانی قبل از اسلام نیز اشاره شود.

۲. «تأثیر آن (هنر ایرانی - اسلامی) در هنر سرزمین‌های دیگر؛ همان‌طور که قبلاً گفته شد صحیح‌تر آن است که از این تأثیر به‌صورت متقابل یاد شود. زیرا فرهنگ، تمدن، دانش، معرفت و خصوصاً هنر، در قید و بند و محدودیت‌های جغرافیایی و سیاسی نمی‌گنجد. در مطالعه‌ی هر فرهنگ و هنر غنی، ردپایی از فرهنگ و هنرهای سایر سرزمین‌ها، اقوام و تمدن‌ها دیده می‌شود. اصولاً پویایی و تکامل و غنای هر فرهنگی، در گرو تأثیر و تأثر متقابل آن با فرهنگ‌های دیگر در طول زمان و عرض جغرافیایی است. پس تأثیرپذیری یک هنر یا فرهنگ نه از ضعف، که از قدرت آن ناشی می‌شود.^{۲۰} و این از عظمت اعتقادی هنری دیگر اسلام است که به هنرهای بومی و محلی، رنگ و بو و روح اسلامی می‌دهد.^{۲۱}

- بند شش: «تقسیم هنر، هنرهای صوتی - هنرهای تصویری، شعر و بازی‌های کلامی».

۱. در این‌جا باز هم خط تیره بین هنرهای صوتی و هنرهای تصویری، عبارت را دچار ابهام می‌کند.

این ابهام با گذاردن ویرگول به جای خط تیره تا

از
آن‌جا که
رویکرد برنامه‌ی درس
هنر در دوره‌ی ابتدایی «تربیت
هنری» است، درس هنر، هم به‌عنوان یکی از
اشکال اساسی تجربه‌ی انسان و هم به‌عنوان عاملی
مؤثر در یادگیری سایر حوزه‌های محتوایی، حائز
اهمیت است

از آن جا که یکی از اصول برنامه‌ی درس هنر خلاقیت است و ارائه‌ی هر نوع نمونه و الگو، خلاقیت کودکان را محدود می‌کند، در دوره‌ی ابتدایی کتاب درس هنر وجود ندارد

خوانده شود یا

فقط جهت تقویت

بیان یا حافظه‌ی دانش‌آموزان

از طریق خواندن شعر به صورت

دکلمه یا معمولی، از حفظ یا از روی متن

است؟ در هر دو صورت جداسازی آن از هنرهای

صوتی منطقی نیست.

۵. منظور از بازی‌های کلامی چیست؟ آیا این بازی‌ها

خارج از محدوده‌ی هنرهای صوتی قرار می‌گیرند؟

– بندهای دوازده، سیزده و چهارده:

بند ۱۲– روش تدریس هنرهای تجسمی در سال اول

و دوم ابتدایی...

بند ۱۳– روش تدریس هنرهای تجسمی در سال

سوم...

بند ۱۴– روش تدریس هنرهای تجسمی در سال

چهارم و پنجم...

۱– معیار تقسیم‌بندی پنج پایه‌ی ابتدایی در سه بخش

«اول و دوم» و «سوم» و «چهارم و پنجم» چیست؟ چرا

این پنج پایه در سه بند آورده شده‌اند و در پنج بند جداگانه

و یا همگی در یک بند نیامده‌اند؟

۲. در هر سه بند تنها عبارت «هنرهای تجسمی» آورده

شده و کوچک‌ترین اشاره‌ای به سایر هنرها نشده است.

– بند پانزدهم: «بررسی کتاب‌های هنر دوره‌ی ابتدایی

(بخش کاردستی و نقاشی) تهیه‌ی طرح درس مرحله‌ای

برای کاردستی، تهیه‌ی طرح درس آموزش نقاشی حداقل

برای هر یک از کتاب‌ها – دو مورد».

۱. در حال حاضر در دوره‌ی ابتدایی کتاب هنری

وجود ندارد که طبق این بند مورد بررسی قرار گیرد.

۲. اگر کتابی وجود می‌داشت، تأکید بر «بخش

کاردستی و نقاشی» ضرورتی نداشت.^{۲۴} ضمناً خط تیره‌ی

قبل از «دو مورد» بی‌معنی است و بهتر است به تبعیت از

موارد قبلی از پرانتز استفاده شود.

– **بنده هفدهم:** «شیوه‌های ارزشیابی درس هنر

(کاردستی و نقاشی). در این جا نیز مشکل بند قبلی

مشاهده می‌شود.

منابع درسی

حدودی

بر طرف

می‌گردد. مگر

این که منظور هنرهای

«شنیداری-دیداری، باشد که آن

هم با توجه به توضیحات دایره‌المعارف

هنر، شامل اپرا و فیلم ناطق و رنگی می‌شود.^{۲۲}

که بعید می‌داند منظور این مورد باشد.

۲. منظور از هنرهای صوتی چیست؟ و هنرهای صوتی

با شعر و بازی‌های کلامی چه تفاوتی دارد؟ آیا نمی‌توان

شعر و بازی‌های کلامی را زیرمجموعه‌ای از هنرهای صوتی

به حساب آورد؟ اگر منظور از هنرهای صوتی، موسیقی یا

تربیت شنوایی است، چرا به این شکل کلی و مبهم آورده

شده است. و اگر منظور همان اصطلاح علمی صوت است

یعنی «موج مکانیکی است که بر اثر ارتعاش اجسام تولید

می‌شود و در هوا انتشار می‌یابد و پس از رسیدن به گوش،

به وسیله‌ی حس شنوایی شنیده می‌شود»^{۲۳} پس جایگاه

شعر و بازی‌های کلامی در این میان چیست؟

۳. منظور از هنرهای تصویری چیست؟ آیا منظور همان

هنرهای تجسمی است که قبلاً نیز از آن یاد شده است؟

یا شامل نمایش و سینما نیز می‌شود؟ از آن جا که شاهده‌ی

برای تأیید منظور دوم در سرفصل وجود ندارد، منظور اول

یعنی هنرهای تجسمی محتمل‌تر به نظر می‌رسد. پس

بهتر است موضوع به صورت صریح و روشن عنوان شود.

۴. منظور از شعر چیست و حد و مرز و فاصله‌ی آن با

ادبیات فارسی چگونه است؟ اگر منظور سرودن شعر باشد

– که بعید به نظر می‌رسد – در محدوده‌ی ادبیات فارسی و

البته خارج از توان دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی است؛ و اگر

منظور خواندن شعر باشد، باز مفهوم عبارت مشخص نیست.

این شعر آیا قرار است با موسیقی و به صورت موزون (سرود)

در این قسمت با وجود عنوان «منابع» تنها یک «منبع» ذکر شده است: «کتاب تعلیم هنر برای معلم، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش، کد ۶۰۱۲».

بررسی این منبع نیاز به مجال وسیع‌تری دارد که در این مقاله نمی‌گنجد. ظاهراً این منبع با سرفصل‌های بررسی شده در این مقاله هماهنگی دارد. ولی از جهات مختلف دارای اشکالاتی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- شکل ظاهری کتاب: صفحه‌آرایی کتاب دارای مشکلات زیادی است. از جمله:

۱. اکثر صفحات شماره‌ی صفحه ندارند.

۲. تصاویر بدون شماره و گاه حتی بدون توضیح هستند

۳. روش نوشتن پاورقی‌ها صحیح نیست.

۴. شیوه‌ی نوشتن «مآخذ و منابع» هم از نظر نوع نوشتن و هم ترتیب (ابتدا نام خانوادگی و نام نویسنده و بعد بقیه‌ی مشخصات باید نوشته شود) صحیح نیست، مشخصات ذکر شده در این قسمت نیز ناقص است.

۵. حاشیه‌ی سفید مناسب، خصوصاً در بعضی موارد که تصویر آورده شده، رعایت نشده است.

- مطالب کتاب در فصل اول، بخش اول و دوم «حکایت

هنر در روزگار گذشته و امروز» و «اثرات تربیتی هنر از دیدگاه تاریخ» از چند نظر دارای اشکال است:

نویسنده در این دو فصل لحن شعاری و موضع‌گیرانه‌ای به کار برده است. در حالی که زبان مناسب برای یک کتاب آموزشی و درسی «زبان علمی» است و «این زبان صرفاً برای انتقال مستقیم و آشکار مفاهیم دقیق به کار می‌رود.»^{۲۵}

از جملات آغازین این کتاب این لحن شعاری نمایان می‌شود: «... در طول تاریخ هنر نیز هم‌چون هنرمند، همیشه مظلوم و در اسارت بوده است. اسارتی که بار سنگین طی قرون و اعصار، شانه‌های نحیف و استخوانی صاحب اثر را خرد کرده است...»، «انسان‌ها در بند کشیده»، «تازیانه‌ی بیداد»، «پیام‌های مظلومانه و مقاومت‌های سر سختانه»، «زیر شلاق مصایب» و... این لحن زمانی آزار دهنده

می‌شود که با برخی کج‌داوری‌ها نیز همراه باشد. مثلاً از اقدام به جای شاه اسماعیل صفوی که از میان تمام گنج‌های خزانه‌ی شاهی، کمال‌الدین بهزاد، نقاش برجسته دوران راه به قول خود نویسنده «همچون یک تحفه‌ی قیمتی، در صندوقی چوبی پنهان نمود تا آسیبی به او نرسد»^{۲۶}، با واژه‌ی «بدبختانه» یاد می‌کند. و به راحتی فراموش می‌کند که دوره‌ی صفوی تحت حمایت همین شاه اسماعیل و اعقابش، درخشان‌ترین دوره‌ی هنر و فرهنگ ایران اسلامی محسوب می‌شود.

در صفحه‌ی سی‌زده همین کتاب، تمام نوشته‌های محققان غیر ایرانی تحت عنوان «نوشته‌های پوچ و بی‌معنی بیگانگان بی‌خبر از فرهنگ اسلامی ایران» رد می‌شود. ولی قسمت اعظم مطالب بخش یک به بررسی یک مقاله‌ی خارجی، از نویسنده‌ای ناشناس اختصاص داده شده است و از مطالب آن در زمینه‌ی تأثیر هنر ایران در مغرب زمین^{۲۷}، تحت عنوان «اعتراقات» انتقاد شده است.^{۲۸} در جای دیگر از رفتن صنعتگر ایرانی به کشور دیگر جهت آموزش صنعت خود، تحت عنوان «سرقه مغزها و تخصص‌ها» نام برده شده است.^{۲۹} جالب این که خود مؤلف از این به اصطلاح «نوشته‌های بیگانگان، به‌عنوان سند و مدرک و شاهی برای اثبات نظریات خود در متن^{۳۰} و در «مآخذ و منابع»^{۳۱} استفاده کرده است.

کتاب دیگری نیز به عنوان منبع آموزش هنر در اختیار مراکز تربیت‌معلم قرار گرفته است: «آموزش نقاشی و کاردستی (به همراه روش تدریس) - برای دانشجویان دوره‌ی کاردانی - رشته‌ی آموزش ابتدایی کد ۱۰۰۷». در صفحه‌ی اول این کتاب آمده: «یک واحد کارگاهی - ۳ ساعت در هفته - ۵۱ ساعت در یک نیم سال تحصیلی». با توجه به این که در این کتاب، هم از نقاشی و هم از کاردستی و هم روش تدریس نام برده شده است. معلوم نیست دقیقاً منبع کدام درس تربیت معلم است. احتمالاً به علت این که سرفصل‌های آموزش و پرورش که در اختیار مراکز تربیت‌معلم است. قبل از تاریخ نشر این کتاب به تصویب رسیده، در دروس «کاردستی در کارگاه»^{۳۲} و

«طراحی و نقاشی»^{۳۳} از این کتاب به عنوان منبع نام برده نشده است.^{۳۴} این دو درس هر کدام به تنهایی یک واحد کارگاهی و ۳ ساعت در هفته و ۵۱ ساعت در یک نیم سال تحصیلی هستند. پس مشخصات ذکر شده در ابتدای این کتاب در صورتی می‌تواند صحیح باشد که برای دو بخش نقاشی و کاردستی به صورت جداگانه محسوب شود. اما روش تدریس برای خود یک درس جداگانه است و به صورت دو واحد نظری و عملی، ۳ ساعت در هفته و ۵۱ ساعت در یک نیم سال تحصیلی ارائه می‌شود.

این کتاب از نظر مشخصات ظاهری نسبت به کتاب قبلی قابل قبول تر است. زبان و محتوای آن نیز علمی است. ولی در بخش منابع همان اشکالات کتاب قبلی را دارد. مشکل اصلی و اساسی این کتاب در مطالب مقدمه‌ای آن است که موضع نویسنده را نسبت به هنر دوره ابتدایی مشخص می‌کند. در مقدمه مطالبی طرح شده که بسیاری از آن‌ها صحیح و تعدادی نادرست است و این دو گروه مطالب گاه در تضاد با یکدیگرند. در این زمینه به ذکر دو مورد اکتفا می‌شود:

۱. «آنچه که در مدارس به عنوان هنر به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند، باید ابزاری برای شناخت مفاهیمی که در دیگر دروس آموزش داده می‌شود، باشد»^{۳۵}، در حالی که در صفحه‌ی بعد مولف این هدف را تنها یکی از اهداف اصلی درس هنر (و نه تمام آن)، می‌داند.^{۳۶}

۲. «در بین

دانش‌آموزان، هنرمندانی که گرایش عمیق‌تری به این درس (هنر) نشان می‌دهند و با قوای ذاتی و استعداد نهفته در خویش از این ابزار برای بیان بهتر مکتوبات خود بهره‌مند می‌شوند، تعدادشان اندک و وجودشان استثناست»^{۳۷} در حالی که خود نگارنده، هنر را «امری ذاتی و فطری»^{۳۸} می‌داند و راه‌های مفیدی برای تربیت هنری تمام دانش‌آموزان پیشنهاد می‌دهد،^{۳۹} نه برای گروه خاص «اندک و استثنا».

مشکل بعدی این کتاب، روش تدریس مطرح شده در آن است که در اغلب موارد بر پایه‌ی آموزش مستقیم است.^{۴۰} امری که در برنامه‌ی درسی جدید هنر، توصیه نمی‌شود.^{۴۱} هم چنین بهتر بود روش تدریس دروس در پایه‌های مختلف تحصیلی ابتدایی از هم تفکیک شوند تا نیاز و توان دانش‌آموزان مختلف در هر بخش در نظر گرفته شود.

ابزار معرفی شده برای طراحی و نقاشی در این کتاب فقط مداد رنگی، مداد شمعی، پاستیل روغنی و ماژیک می‌باشد و از دو ماده‌ی رنگی اصلی دیگر یعنی گواش و آبرنگ نامی برده نشده است. تنها اشاره‌ای که به این مواد شده به عنوان «رنگ‌های دیگر» است.

نتیجه

مراکز تربیت معلم اولین، اساسی‌ترین و مهم‌ترین محل آموزش معلمان آینده‌ی کشورند بنابراین برای این که مبنای معلومات و توانایی معلمان آینده بر پایه‌ی صحیح گذاشته شود، باید امر آموزش در مراکز تربیت معلم به نحو صحیح برنامه‌ریزی و اجرا شود. از آنجا که برنامه‌ی درسی هنر دوره‌ی ابتدایی سال‌هاست که دچار تغییر و تحول اساسی گردیده و جریان گسترده‌ای برای انعکاس این تحول در تمام مدارس ابتدایی کشور آغاز شده

از آن جا که

برنامه‌ی درسی هنر

دوره‌ی ابتدایی سال‌هاست که

دچار تغییر و تحول اساسی گردیده و

جریان گسترده‌ای برای انعکاس این تحول در

تمام مدارس ابتدایی کشور آغاز شده است، ضروری

است که این تغییر در برنامه‌ی درسی هنر تربیت معلم

رشته ابتدایی نیز اعمال شود

است، ضروری است که این تغییر در برنامه‌ی درسی هنر تربیت‌معلم رشته ابتدایی نیز اعمال شود. این تغییر نه تنها در درس «روش تدریس و بررسی کتب هنر دوره‌ی ابتدایی»، بلکه در دروس پیش‌نیاز آن نیز الزامی است. یعنی هم پیش‌نیازهای موجود باید از نظر سرفصل تصحیح شوند و هم تعدادی پیش‌نیاز جدید، از جمله تربیت‌شنوایی قصه‌گویی و نمایش، باید به این پیش‌نیازها افزوده شود. در حال حاضر مراکزی که باید آغازگر تحول و تغییر در نظام آموزشی کشور باشند، عملاً از این تغییرات جدا مانده‌اند و به همان شیوه‌ی مردود قدیمی عمل می‌کنند.

*کارشناس ارشد پژوهش هنر

پاورقی‌ها

جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

۱. مهر محمدی، محمود؛ آموزش عمومی هنر، ص ۱۵۲-۱۵۶.
۲. نواب صفوی، مینا؛ راهنمای درس هنر، ص ۶.
۳. همان؛ ص ۷.
۴. جهت کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به:
الف. نواب صفوی، مینا؛ منبع پیشین؛ ص ۳-۲.
- ب. آرمسترانگ، توماس؛ هوش‌های چندگانه در کلاس درس؛ ص ۱۸-۱۹.
۵. نواب صفوی، مینا؛ منبع پیشین؛ ص ۲۳-۲۷.
۶. مهر محمدی، محمود؛ منبع پیشین؛ ص ۱۵۷.
۷. همان؛ ص ۱۵۷.
۸. در دو مرکز آذربایجان غربی رشته‌ی آموزش‌وپرورش دوره‌ی ابتدایی تدریس می‌شود:
مرکز شهید رجایی ارومیه (پسران)، شهید مطهری خوی (دختران).
۹. مشخصات کلی، برنامه، سرفصل دروس کردانی تربیت‌معلم رشته‌ی آموزش‌وپرورش ابتدایی، گروه علوم انسانی، مصوب دویست و هفتاد و چهارمین جلسه‌ی شورای عالی برنامه‌ریزی مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۸، ص ۶۹-۷۰.
۱۰. نواب صفوی، مینا؛ منبع پیشین؛ کتاب در یک نگاه.
۱۱. همان؛ ص ۳.
۱۲. پاکباز، رویین؛ دایره‌المعارف هنر؛ ص ۳۴۸.
۱۳. جهت کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به:
اولیوریوفراری، آنا؛ نقاشی کودکان و مفاهیم آن؛ ص ۸۶-۸۸.
۱۴. محتوا و سرفصل این دروس در تربیت معلم، خود نیاز به یک بازنگری کلی دارد.
۱۵. مشخصات کلی؛ ص ۴۳.
۱۶. همان؛ ص ۲۵.
۱۷. پاکباز، رویین؛ منبع پیشین؛ ص ۶۵۸.
۱۸. آوردن کلمه‌ی هنر در اول هر دو کلمه‌ی ایران و اسلامی، به همراه خط تیره در وسط، این معنی را القا می‌کند.
۱۹. از عبارت «سرزمین‌های دیگر» که در ادامه آمده است و همچنین کلمه‌ی اشاره‌ی «آن» که معنی مفرد را می‌رساند، چنین برداشت می‌شود.
۲۰. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتب تاریخ هنر مراجعه شود.
۲۱. احادیث متعددی از حضرت پیامبر(ص) نقل شده است که به ضرورت کسب علم حتی از دورترین مکان (چین) و نامطلوب‌ترین افراد (کافر) تأکید شده است و این

به هیچ عنوان از ضعف علم اسلامی نیست. ترجمه‌ی متون علمی و فلسفی، آزاد کردن اسرای غیر مسلمانی که ده نفر مسلمان را با سواد کنند و... شاهده‌ی بر این امر هستند. با توجه به شواهد تاریخی، علم اسلامی در قرون اولیه‌ی اسلام از بالاترین و پیشرفته‌ترین علوم جهان بوده است و اساس علوم امروزی بر پایه‌ی علوم اسلامی است. این موضوع را به هنر اسلامی نیز می‌توان تعمیم داد.

۲۲. پاکباز، رویین؛ ص ۶۵۸.
۲۳. نواب صفوی، مینا؛ منبع پیشین؛ ص ۱۶۱.
۲۴. آیا در این کتاب‌ها بخش‌های دیگری جز کاردستی و نقاشی وجود داشته است؟ اگر بوده، چرا نباید به آن‌ها پرداخته می‌شد و چرا فقط باید بخش کاردستی و نقاشی بررسی شده و برای آن‌ها طرح درس نوشته می‌شد؟ ضرورت و دلیل وجود بخش‌های دیگر - اگر بوده - چه بوده است؟ (در حالی که در هیچ جای دیگر از این سرفصل به آن‌ها اشاره نشده است). و اگر چنین بخش‌هایی در کتاب‌های هنر نبوده، علت تأکید بر این اختصاص چیست؟
۲۵. غلام، محمد؛ هنر و ادب فارسی؛ ص ۱۷.
۲۶. هراتی، محمد مهدی؛ تعلیم هنر برای معلم؛ ص ۱۲.
۲۷. همان؛ ص ۱۳.
۲۸. رجوع شود به همین مقاله، قسمت سرفصل‌های درس، بند چهار.
۲۹. هراتی، محمد مهدی؛ منبع پیشین؛ ص ۱۶.
۳۰. همان؛ ص ۱۹.
۳۱. «شاهکارهای هنر ایران - پرفسور پوپ - ترجمه دکتر خانلری.
۳۲. مشخصات کلی؛ ص ۶۸.
۳۳. همان؛ ص ۶۶.
۳۴. در قسمت منابع از هیچ منبعی نام برده نشده است.
۳۵. کشاورز، محمدعلی؛ آموزش نقاشی و کاردستی؛ ص ۲.
۳۶. همان؛ ص ۳.
- ۳۷ و ۳۸. همان؛ ص ۲.
۳۹. همان؛ ص ۷۵.
۴۰. خصوصاً در درس‌های ۹، ۸، ۱۰ (طراحی انسان، چهره و منظره و اغلب درس‌های بخش کاردستی).
۴۱. نواب صفوی، مینا؛ منبع پیشین؛ ص ۲۰.

فهرست منابع

- آرمسترانگ، توماس؛ هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس؛ ترجمه مهشید صفری؛ تهران: مدرسه، ۱۳۸۳.
- پاکباز، رویین؛ دایره‌المعارف هنر؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
- اولیوریوفراری، آنا؛ نقاشی کودکان و مفاهیم آن؛ ترجمه عبدالرضا صرافان؛ تهران: دستان، ۱۳۷۳.
- غلام، محمد؛ هنر و ادب فارسی؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۴.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین؛ راهنمای ویرایش؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
- کشاورز، محمدعلی؛ آموزش نقاشی و کاردستی؛ تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۱.
- مشخصات کلی، برنامه، سرفصل دروس کردانی تربیت معلم رشته آموزش و پرورش ابتدایی، گروه علوم انسانی، مصوب دویست و هفتاد و چهارمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۸.
- مهر محمدی، محمود؛ آموزش عمومی هنر؛ چپستی، چرایی، چگونگی؛ تهران: مدرسه، ۱۳۸۳.
- نواب صفوی، مینا و دیگران؛ راهنمای درس هنر برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی؛ تهران: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۸۵.
- هراتی، محمد مهدی؛ تعلیم هنر برای معلم؛ تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱.

هنر در خدمت آموزش

لازمه‌ی زندگی کردن در جهان، دارا بودن اطلاعات از پیرامون خود است. هر چه این اطلاعات صحیح‌تر باشد، به کارگیرنده‌ی آن نتایجی سودمندتر به دست می‌آورد. این نتایج او را در بهتر زندگی کردن یاری می‌دهند. تمام این اطلاعات از راهی به نام «آموزش» انتقال پیدا می‌کنند. آموزش به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد که ما امروزه آن را در امور متفاوت زندگی خود می‌بینیم. آموزش به زبان ساده‌تر، آموختن یک سلسله اطلاعات است که یک انسان دارد و برحسب نیاز، آن را به انسان نیازمند اطلاعات می‌دهد.

موفقیت آموزش با شاخص‌های اصلی زیر ارتباط نزدیک دارد:

الف) راه درست برقرار کردن خط ارتباط؛

ب) درستی و وسعت منبع اطلاعات؛

ج) قدرت کشش و دریافت طرف مقابل

با هر نوع اطلاعاتی که به طرف مقابل داده می‌شود، آموزش صورت

می‌گیرد؛ چه اطلاعات مفید باشد چه مضر. تربیت اما فقط در صورت مفید بودن اطلاعات و به کارگیری مناسب آن از طرف گیرنده، صورت می‌پذیرد.

تربیت کودک از درست راه رفتن او آغاز می‌شود و نحوه‌ی برخوردش با دیگران، نوع اندیشه‌ای که دارد و در آینده خواهد داشت، و روشی را که برای زندگی انتخاب می‌کند در برمی‌گیرد. قوی‌ترین عامل در تربیت کودک، «آموزش غیرمستقیم» است.

آموزش غیرمستقیم از لحظه‌ی تولد آغاز می‌شود. رفتار و کردار والدین، مربیان و افراد مورد علاقه‌ی کودک از این نوع هستند. آموزش هر انسان از طریق حواس‌های مرتبط‌سازنده او با جهان خارج صورت می‌گیرد. بیش‌ترین خط ارتباط‌دهنده‌ی او با دنیای خارج، دیدن (آموزش بصری) و شنیدن (آموزش شنیدنی) است. انسان از بدو تولد می‌بوید، می‌شنود، می‌بیند، لمس می‌کند، می‌چشد، ضبط می‌کند و وقتی بزرگ‌تر شد، تجزیه و تحلیل می‌کند.

یکی از موفق‌ترین راه‌های آموزش غیرمستقیم، «هنر» است که به علت

زیبایی و انتزاعی بودنش، می‌تواند هر آموزش را در لفافه‌ای حریری در اوج اثرگذاری بر ذهن مخاطب بنشانند. نمایش به خاطر دارا بودن تحرک، فضای خاص و دیگر ویژگی‌ها، مورد توجه کودک است. نمایش مانند دیگر هنرها می‌تواند به کودک در اندیشیدن و جست‌وجوگری، رفتار مناسب، داشتن اخلاق نیکو، درست دیدن پیرامون خود، پرورش حس نوع‌دوستی و در نهایت، ارتباط صحیح با دنیای اطراف و درک دیگران کمک کند.

البته نمایش را نباید در چند پند خشک و شعاری خلاصه کرد. باید به آن گستردگی بخشید و جوانب متفاوت زندگی را در آن جریان داد و به کودک شناساند. حتی ارائه‌ی آموزش‌های علمی هم در یک نمایش نباید به صورت مستقیم باشد. اگر مطالب علمی و اخلاقی مورد نظر آموزش‌دهنده را در لابه‌لای داستان نمایش در حرکات، گفت‌وگوها و یا پاداش و کیفر نشان دهیم، برای او قابل قبول‌تر است. کودک نباید احساس کند که سر کلاس درس دیگری آمده است.

نمایش